

The review and analysis of images and theme in children stories by Roald Dale

S. Najafi Behzadi¹, Jahangir Safari²

Abstract

The child's writers, with proper in-house selection and processing, can familiarize children with the important issues of life and the world around them. One of the authors who have paid attention to children and their issues in their stories is Rold dale. He is one of the prominent writers of British child literature. Dale has created numerous works for the child and adolescent, and most of his works have been translated into Persian and several languages. The purpose of this study is to investigate and analyze the theme and image and image in the childish stories of the dale. The theme of the stories of Dale is often about childhood and childhood issues. The research method is library and content analysis. Issues such as children's and adults' intellectual differences, the reduction of children's fears, the negative effects of violence in the child's life, the increase of love and empathy between children and peers, and the strengthening of the child's attitude of critique are the most important intrinsic stories of the dale.

Keywords: Theme, Image, Rold dale, child.

بررسی و تحلیل درون‌مایه و تصویر در داستان‌های

کودکانه رولد دال

سجاد نجفی بهزادی^۱، جهانگیر صفری^۲

چکیده

نویسندگان کودک با انتخاب و پردازش مناسب درون‌مایه می‌توانند کودکان را با مسایل مهم زندگی و جهان پیرامون آشنا کنند. یکی از نویسندگانی که در داستان‌هایش به کودکان و مسایل آنها توجه زیادی دارد، رولد دال است. او یکی از نویسندگان برجسته و مشهور ادبیات کودک انگلستان است. دال آثار متعددی برای کودک و نوجوان خلق کرده و بیشتر آثارش به زبان فارسی و چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده است. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل درون‌مایه و تصویر در داستان‌های کودکانه دال است. درون‌مایه داستان‌های دال اغلب پیرامون زندگی کودک و مسائل دوران کودکی است. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل محتواست. مسایلی چون؛ تفاوت فکری کودک و بزرگسال، کاهش ترس در کودکان، تاثیرات منفی خشونت در زندگی کودک، افزایش محبت و همدلی میان کودک و همسالان و تقویت روحیه انتقاد در کودک، مهم‌ترین درون‌مایه داستان‌های دال را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: درون‌مایه، تصویر، رولد دال، کودک.

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature.

2. Professor of Persian Literature Department of Shahrekord University

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

(نویسنده مسؤول) najafi23ir@yahoo.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

مقدمه

برجسته دال که به وسیله محبوبه نجف خانی به زبان فارسی ترجمه شده و به چاپ‌های متعددی رسیده‌اند، انتخاب و درون‌مایه و تصویر آنها بررسی و تحلیل شده است.

کودکان نگرش و نگاه متفاوتی با بزرگسالان دارند. آن‌ها به دنبال آرزوها و خواسته‌های خویش‌اند و همواره از بزرگسالان انتظار دارند به خواسته‌ها و علایق آن‌ها توجه کنند. یکی از راه‌های مناسب برای توجه به نیازها، خواسته‌ها و مسایل مربوط به دنیای کودکان، داستان است. نویسندگان کودک می‌توانند با انتخاب و پردازش مناسب درون‌مایه داستان، بزرگسالان و مربیان را به دنیا و خواسته‌های کودک نزدیک‌تر کنند. در واقع با کمک داستان می‌توان برخی از چالش‌های موجود میان کودکان و بزرگسالان را مطرح و در یک پیرنگ جذاب و خلاقانه این چالش‌ها و مشکلات را برطرف کرد. در این پژوهش، هدف بررسی و تحلیل درون‌مایه و تصویر داستان‌های رولد دال نویسنده کودک انگلیس است. رولد دال (Roald Dahl) نویسنده محبوب کودکان در سال ۱۹۱۶ در لانداپ گلامورگان به دنیا آمد. در جنگ جهانی دوم به نیروی هوایی انگلستان در نایروبی پیوست. مدتی در یونان و سوریه خلبان جنگی بود. در ۱۹۴۲ به واشینگتن رفت و نویسندگی را شروع کرد. اولین داستان‌هایش را بر اساس تجربه‌هایش در جنگ در نشریات آمریکایی به چاپ رساند؛ اما خیلی زود به نوشتن برای کودکان علاقه نشان داد. آثار او تأثیر زیادی بر نویسندگان انگلیسی زبان پس از او گذاشت. او در سال ۱۹۸۳ برنده‌ی جایزه‌ی ویت برد شد و در نوامبر ۱۹۹۰ در گذشت. مجله

مهم‌ترین آثار او «چارلی و کارخانه شکلات سازی»، «جیمز و هلوی غول‌پیکر»، «ماتیلدا»، «من وزرافه و پلی»، «تمساح غول‌پیکر»، «جورج و داروی شگفت‌انگیز»، «بدجنس‌ها»، «انگشت جادویی»، «تپشت کال»، «دنی قهرمان جهان» و داستان‌های چشم‌نداشتنی است. نوشته‌های او بیشتر از زاویه‌ی دید کودک است. رولد دال خود در این باره می‌گوید: اگر می‌خواهید زندگی را از منظر چشم یک کودک ببینید، چهار دست و پا روی زمین زانو بزنید و به بزرگ سالانی که بالای سرتان خیمه زده و به شما امر و نهی می‌کنند، نگاه کنید.

پیشینه پژوهش

درباره نقد و تحلیل درون‌مایه و تصویر در داستان‌های رولد دال اثر مستقلی تدوین نشده است؛ اما درباره برخی از داستان‌های دال مقالاتی نوشته شده که به برخی اشاره می‌شود. ۱. مقاله بررسی تطبیقی درون‌مایه داستان‌های فرهاد حسن‌زاده و رولد دال، سجاد نجفی و جهانگیر صفری، همایش ادبیات و زبان‌شناسی تهران. ۲. تحلیل شخصیت‌های رمان آقای روباه شگفت‌انگیز اثر دال، محبوبه نجف‌خانی، کتاب ماه کودک و نوجوان. ۳. سه نقد بر جادوگرهای دال، محمد محمدی، ۱۳۷۷، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان شماره ۱۴. ۴. هیجان، لذت و بازی، نقد داستان‌های دال، محبوبه نجف‌خانی، کتاب ماه کودک و نوجوان، اسفند ۱۳۸۰.

روش پژوهش: روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل محتواست. آثار داستانی

تایمز او را یکی از پرخواننده ترین و تأثیرگذارترین نویسندگان کودک نامید و نوشت: کودکان عاشق داستان‌های رولد دال هستند و او را نویسنده‌ی محبوب خود می‌دانند... داستان‌های او آثار کلاسیک آینده خواهند بود.

موضوع و درون‌مایه داستان‌های رولد دال

رولد دال، محبوب‌ترین نویسنده در بین کودکان جهان است. درون‌مایه داستان‌های او اغلب برای کودکان و از نگاه آنها بیان شده است. آنچه داستان‌های او را برای خواننده جذاب کرده، قرار گرفتن کودک به عنوان شخصیت اصلی داستان و ایجاد حوادث و ماجراهای هیجانی، اضطراب در خواننده، تعلیق و کشش داستانی است. چنانچه خود دال اظهار می‌کند، «مهم‌ترین ویژگی تمام آثار من، وحشت از کسل کردن خواننده است. من همیشه احساس می‌کنم باید هر طور شده خواننده را نگه دارم. بیخ خورش را بچسبم و تا صفحه آخر ولش نکنم.» (کائیدی، ۱۳۸۱: ۳).

اثرات منفی بی‌توجهی به کودک

بی‌توجهی والدین نسبت به کودک یکی از درون‌مایه‌های مهم داستان‌های دال است. این مساله آثار روانی سوئی برای کودک در پی دارد. رمان «ماتیلدا» نمونه بارز این بی‌توجهی است. تحقیر و نادیده گرفتن استعدادهای «ماتیلدا» باعث تنهایی و جدایی او شده است. «ماتیلدا» دختر بچه‌ای ظریف و حساس، اما باهوش است. پدر و مادرش مانند یک پوست زخم به او نگاه می‌کنند. آن‌ها بی‌صبرانه منتظرند که ماتیلدا را از سرشان باز کنند. ماتیلدا کودکی باهوش است. او علاقه زیادی به مطالعه و

کتاب دارد؛ اما پدر و مادرش مدام او را تحقیر می‌کنند. «یک روز ماتیلدا به پدرش گفت: بابا می‌توانی یک کتاب برایم بخری؟ پدرش گفت: کتاب؟ کتاب نکبتی را برای چی می‌خواهی؟ ماتیلدا گفت: می‌خواهم بخوانمش. پدر گفت: آخر مگر تلویزیون چش است؟ ما یک تلویزیون خوشگل داریم. آن وقت تو هوس کتاب به سرت زده؟ بچه! دیگه داری لوس می‌شی‌ها!» (دال، ۱۳۹۲/الف: ۱۵). بی‌توجهی والدین ماتیلدا و توهین‌های آنان باعث شده ماتیلدا از خانواده جدا شود. دخترک از رفتار و تحقیرهای پدر و مادرش خسته شده. آنها حاضر نبودند هوش و نبوغ دخترشان را درک کنند؛ درحالی که خوب می‌دانستند او کودکی نابغه است. «ماتیلدا گفت: مطمئنم جوابم درست است. ناگهان پدرش انگشتش را به طرف او نشانه رفت و فریاد زد: تو... تو حقه باز فسقلی! تو به کاغذ من نگاه کردی. تو جوابی را که اینجا نوشتم، دیدی! ماتیلدا گفت: من که این طرف اتاق نشسته‌ام. چه طور می‌توانستم آن را ببینم؟ پدر فریاد زد: بی‌خود حرف مفت نزن. تو دختر حقه باز فسقلی و دروغ گو هستی...» (همان: ۷۲)

کودکان داستان‌های دال همواره از سوی بزرگسالان تحقیر و مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. کودکان نیز در مقابل این تحقیر کوتاه نمی‌آیند و درصدد انتقام برمی‌آیند. «اگر پدر و مادر خلاقیت کودک را نادیده بگیرند، ممکن است کودک در ارتباط با آنها دچار ناکامی شوند. والدین نسبت به خلاقیت کودک حسادت می‌ورزند و در نتیجه سعی می‌کنند آنها را سرکوب کنند.» (احمد وند، ۱۳۹۱: ۲۱۵) ماتیلدا برای اینکه رفتار نادرست والدینش را پاسخ دهد، آنها را اذیت می‌کند. او

حیوانات را بکشند. چند بار سعی کردم آن‌ها را منصرف کنم؛ اما آن‌ها به من خندیدند.» (دال، ۱۳۹۲: ۱۲/ب).

دال به شخصیت داستان کمک می‌کند تا کار اشتباه بزرگترها را به آن‌ها گوشزد کند. «دال در هر کدام از شرایط آسیب‌شناسی خانوادگی که در آن شخصیت‌هایش را می‌سازد، از شکل متفاوت جادو استفاده می‌کند. او از سایه‌ها و تاریکی‌های جهان که کودکان در آن زندگی می‌کنند، خبر دارد. به همین دلیل تنها راه مبارزه با این تاریکی‌ها را ابزار پیچیده جادو می‌داند.» (آیلین، ۱۳۹۲: ۷۰) انگشت شخصیت داستان به صورت جادویی و با ایجاد اشعه، مانع انجام شکار می‌شود.

کاهش ترس در کودکان

یکی دیگر از درون‌مایه‌های داستان‌های دال، کاهش ترس در کودکان است. ترس از موجودات خیالی چون، هیولا و غول. دال در داستان «غول بزرگ مهربان» به این مهم می‌پردازد. با توجه به شخصیت‌های داستان که موجوداتی ترسناک هستند، فضای داستان باید فضایی سراسر ترس و وحشت باشد؛ اما زبان و سبک نویسنده آن را در عین ترسناکی به اثری جذاب و هیجان‌انگیز تبدیل کرده است. «دال می‌کوشد در داستان «غول بزرگ مهربان» همه چیز را در چهارچوب منطق داستانی پیش ببرد و هرگز چیزی یا نگرش و ذهنیتی از بیرون بر حوادث و موقعیت‌ها تحمیل نشود. او به پرسش‌هایی که ممکن است در ذهن مخاطب نقش ببند، پاسخ می‌دهد. وقتی «سوفی» شخصیت داستان، از غول مهربان درباره چگونگی شکار آدم‌ها توسط غول‌های

برای اذیت کردن پدرش، مقداری چسب قطره داخل کلاه او می‌ریزد. «ماتیلدا همان طور که کلاه را در یک دست و لوله کوچک چسب قطره‌ای را در دست دیگرش داشت، دور تا دور لبه داخلی کلاه را خیلی تر و تمیز چسب مالی کرد. بعد با احتیاط و به کمک عصا دوباره آن را سرجایش آویزان کرد... هنگامی که پدرش کلاه را سرش گذاشت. متوجه نشد. اما وقتی به تعمیرگاه رسید نتوانست کلاه را از سرش بر دارد... اگر کلاه را محکم می‌کشید پوست سرش کنده می‌شد. بنابراین مجبور بود تمام روز کلاه را سرش بگذارد.» (همان: ۴۳) بی‌توجهی و دست کم گرفتن شخصیت «جورج» به وسیله مادر بزرگش، عاملی می‌شود برای انتقام از او. «جورج پشت میز آشپز خانه نشست. کمی می‌لرزید. وای که چقد از مادر بزرگ نفرت داشت. یک هو احساس کرد باید کاری انجام دهد. یک کار فوق‌العاده و تکان‌دهنده. یک انفجار؛ اما این انفجار خارق‌العاده چطوری باید باشد؟ دلش می‌خواست زیر صندلی‌اش دینامیت بگذارد؛ اما او که دینامیت نداشت. آهان! خودش است. برایش داروی جدیدی می‌سازم. دارویی که یا او را معالجه کند یا منفجر.» (دال، ۱۳۹۲/ب: ۲۹-۳۰).

در داستان «انگشت جادویی» نیز دخترک داستان برای مقابله با خانواده «رگ» از عنصر جادو استفاده می‌کند. او برای جلوگیری از شکار پرندگان، از قدرت جادویی خود کمک می‌گیرد و مانع تخریب محیط زیست و زندگی پرندگان می‌شود. «من تحمل شکار را ندارم. به نظر من درست نیست که مردها و پسرها برای تفریح و سرگرمی

برق گرفته باشدش، فریاد زد: فهمیدم دنبالم بیاید. آقای روباه مشغول کندن زمین شد. با دست‌هایش تند تند زمین را می‌کند و خاک را پشت سرش می‌ریخت. خانم روباه نیز با او همراه شد. بچه‌ها هم به آنها کمک کردند. بعد از یک ساعت روباه از کندن دست کشید و گفت: آخیش به نظرم موفق شدیم.» (دال، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۶). سه مزرعه دار با کمک بیل مکانیکی و تراکتور شروع به کندن می‌کنند؛ روباه با شنیدن سر و صدای وحشتناک ترسید. بچه‌ها هم ترسیدند، اما دست از مبارزه و تلاش برنداشتند. «آقای روباه گفت: تراکتور! بیل‌های مکانیکی! اگر جانتان را دوست دارید بکنید. بکنید. مبارزه شروع شد. بیل‌های مکانیکی در مقابل روباه. گاهی روباه‌ها کمی زمین را می‌کنند و سروصدا کم می‌شد. روباه می‌گفت: داریم موفق می‌شویم؛ اما چند لحظه بعد دوباره صدا نزدیک می‌شد» (همان: ۴۴). روباه و خانواده‌اش دست از تلاش برداشتند. مرگ در یک قدمی آنها بود. گرسنگی و تشنگی به آنان فشار می‌آورد. روباه فکری به نظرش می‌رسد، اما بچه‌ها و خانم روباه توان کندن ندارند. «بچه روباه از جا پریدند و فریاد زدند. چرا بابا ما می‌تونیم بکنیم.» (همان: ۵۹). سرانجام روباه با کمک خانواده‌اش، توانست از مرگ نجات پیدا کند. تلاش و از خود گذشتگی روباه برای نجات خانواده نیز قابل ستایش است. «دال از شخصیت‌های کلیشه‌ای چون روباه، به علت کثرت داستان‌ها و قصه‌هایی که حيله گری و زیرکی را به او نسبت داده‌اند، شخصیت داستانی

آدمخوار می‌پرسد، غول جوابی می‌دهد که در حقیقت پاسخی برای مخاطب و خوانندگانه نیز هست. «غول گفت: هرکدام از غول‌ها برای گرفتن آدم‌ها، روش مخصوصی دارند. غول ترجیح می‌دهد وانمود کند که یک درخت بزرگ توی پارک است. او در تاریکی شب توی پارک می‌ایستد. شاخه را بالای سرش می‌گیرد و آن قدر صبر می‌کند تا یک خانواده خوشبخت برای تفریح به پارک بیایند. بعد از اینکه سور و ساتی بپا کردند نوبت به سورو سات غول می‌رسد. سوفی فریاد زد: وای چه وحشتناک!» (دال، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۳). کودک در این داستان مهیج بدون دخالت دیگران، ترس را تجربه می‌کند. ابتدا می‌ترسد و سعی می‌کند داستان را زمین بگذارد؛ اما هیجان و تعلیق مناسب داستان او را با شخصیت‌ها همگام می‌سازد. در داستان «آدم کوچولوها» نیز نویسنده به دنبال کاهش ترس در کودکان است.

تقویت روحیه مبارزه طلبی و تلاش در کودک

درون مایه دیگری که دال برای داستان‌هایش انتخاب می‌کند، تلاش و کوشش برای زندگی و زنده ماندن است. او در داستان بسیار زیبا و مهیج «آقای روباه شگفت‌انگیز» این مساله را به خوبی نشان می‌دهد. حوادث داستان را تلاش و کشمکش حیوان برای نجات جان خود تشکیل می‌دهد. جدال روباه و سه مزرعه دار. سه مزرعه دار تصمیم می‌گیرند لانه روباه را خراب کنند و او و خانواده‌اش را از بین ببرند. روباه در تلاشی خستگی ناپذیر موفق می‌شود از دست آنها فرار کند. «آقای روباه با دیدن منظره وحشتناک، انگار

شخصیت جیمز برای رهایی از دست عمه‌های ترسناک خود از خانه می‌گریزد. «عمه اسپایکر از بالای عینک به جیمز نگاه کرد و گفت: چه مرگت شده؟ جیمز زد زیر گریه. عمه اسپانچ گفت: فوری بس کن و برگرد سر کارت. جانور کوچولوی نفرت انگیز! جیمز گفت: عمه می‌شود همگی با اتوبوس به کنار دریا برویم؟ عمه نعره زد و گفت: دیگه چی توله حیف نان!... جیمز برگشت و پا به فرار گذاشت.» (دال، ۱۳۹۲/ج ۱۸). جیمز نمی‌تواند با عمه‌هایش کنار بیاید؛ بنابراین از خانه فرار می‌کند و سرنوشت متفاوت و هیجان‌انگیزی برای خود رقم می‌زند.

دال نویسنده‌ای تابو شکن است. مسائل و حوادث را بدون محدودیت بیان می‌کند. او شخصیت «جیمز» را پیش عمه‌هایش می‌فرستد تا با نشان دادن اعمال و رفتار ناپسند آنها نسبت به او، این اصل را که هیچ کس جای خالی والدین را برای کودک پر نمی‌کند، اثبات کند. در داستان «داروی شگفت انگیز جورج» نیز شخصیت داستان (جورج) با مادر بزرگش اختلاف پیدا می‌کند. او از مادر بزرگش می‌ترسد و برای مقابله با این وضعیت به فکر انتقام می‌افتد. کودکان داستان‌های دال، آن‌هایی نیستند که پدر و مادر یا اجتماع انتظار دارند. «امروزه یکی از مهمترین ویژگی بچه خوب، حرف شنوی و اطاعت از والدین و سایر نهادهای واسطه مثل مدرسه است؛ اما کودک داستان‌های دال، انسان‌های بی‌آزاری نیستند که در قفس هنجارهای پدرسالارانه گرفتار باشند؛ بلکه در مقابل پدر و مادر- درحالی که

خلق می‌کند که بسیار متفاوت و متمایز است. او تعبیر مرسوم از شخصیت روباه را تغییر می‌دهد و با یک شخصیت پردازی قوی او را حیوانی مفید، خانواده دوست، شجاع و حق طلب می‌آفریند که باعث نجات و سعادت حیوانات می‌شود» (راد، ۱۳۸۸: ۴۳).

اختلاف کودکان و بزرگسالان (تقابل فکری)

یکی از مهم‌ترین مسایل مطرح شده در داستان‌های دال، مسائل روانشناختی است. (اختلاف کودک و والدین). این اختلاف گاهی منجر به نفرت کودک نسبت به والدین می‌شود. ماتیلدا کارها و اعمال پدرش را غیر قانونی می‌داند و به او گوشزد می‌کند که این کار حقه بازی است. «ماتیلدا گفت: ولی بابا این حقه‌تان از حقه خاک اره هم غیر شرافتمندانه است. چندان - آور است! با این کار سر آدم‌هایی که بهتون اعتماد می‌کنند، کلاه می‌گذارید. پدر گفت: اگر از این کار خوشش نمی‌آید. توی این خانه غذا نخور؛ چون با همین پول خریده می‌شوند. ماتیلدا گفت: پول کیفی است. ازش متنفرم. پدر گفت: تو چه کسی هستی که داری درباره شرافتمندی با من حرف می‌زنی؟ هان؟ تو فقط یک بچه پر روی احمقی که خودت هم نمی‌فهمی چی داری میگی!». (دال، ۱۳۹۲/الف: ۳۵). این تقابل در مدرسه نیز دیده می‌شود. مدیر مدرسه ماتیلدا، خانمی خشن و بداخلاق است. بچه‌ها را دوست ندارد. شخصیت‌های داستان دال، درمقابل این تقابل و تحکم کوتاه نمی‌آیند و به فکر تلافی هستند. در داستان «جیمز و هلوی غول پیکر» نیز

احترامشان واجب است - می‌شورند و از خود دفاع می‌کنند.» (کرمانی، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

افزایش محبت و همدلی میان کودکان

همدلی میان موجودات در داستان «تمساح غول پیکر» محرک خوبی است برای کودکان تا این موضوع را در وجود خود نهادینه کنند. حوادث داستان پیرامون حيله و نقشه تمساح (خودخواهی و غرور) برای شکار پسر بچه‌هایی است که در پارک مشغول بازی هستند. داستان این‌گونه شروع می‌شود: «تمساح غول پیکر خندید و با این کار دندان سفید و تیزش را نشان داد و گفت: برای نهار امروز دلم می‌خواهد یک بچه چرب و چیلی بخورم. آن یکی تمساح گفت: من هیچ وقت بچه‌ها را نمی‌خورم. من فقط ماهی می‌خورم. تمساح غول پیکر فریاد زد: هه! هه! هه! مطمئنم اگر همین الان یک بچه چاق و چله آن طرف رودخانه شنا می‌کرد، می‌پریدی و یک لقمه پیش می‌کردی ...!» (دال، ۱۳۹۲/ چ: ۹-۱۰)

همبستگی و اتحاد حیوانات جنگل برای خنثی کردن نقشه‌ها و حيله‌های تمساح می‌تواند برای مخاطب کودک جذاب باشد. «شیطونک گفت: سلام تمساحه! چه خیالی توی کله‌ات داری؟ تمساح گفت: نقشه‌های محرمانه و کلک‌های زیر کانه‌ای دارم. شیطونک گفت: نارگیل می‌خوری؟ تمساح بوکشید و گفت: چیزهای خوشمزه‌تر از نارگیل برای خوردن دارم. شیطونک گفت: فکر نمی‌کردم چیزی خوشمزه‌تر از نارگیل داری!... شیطونک رنگش پرید و تمام بدنش به لرزه افتاد و گفت: نکند خیال داری یک بچه

کوچولو را درسته قورت بدهی؟ تمساح گفت: چرا، همین خیال را دارم.» (همان: ۱۸-۲۱).

کودک با هیجان و ترس داستان را دنبال می‌کند. لحن شیطونک برای دفاع از بچه‌ها و سرزنش تمساح برای کودکان جالب است. نوعی عصبانیت و لحن کودکانه در سخنان شخصیت «شیطونک» دیده می‌شود. «آه، تمساح زشت! ای جانور حقه باز! امیدوارم که دکمه‌ها و لباس و سگک و کفش - هایش توی گلویت گیر کند و خفه شوی» (همان: ۲۱) سرانجام با اتحاد و همدلی جانوران جنگل، نقشه‌های تمساح با شکست مواجه شد. تمساح به پارک نزدیک شد و خودش را مانند نیمکت پارک کرد و منتظر ماند تا بچه‌ها برای نشستن به آن‌جا بیایند. «تمساح به طرف گردشگاه خزید. دسته گلی زیبا درست کرد و روی یکی از میزها گذاشت. و آن وقت رفت پشت میز و جای آن نیمکت را گرفت.... کمی بعد دو تا دختر و پسر از راه رسیدند یکی از آن‌ها گفت: پشت کدام میز بنشینیم؟ دیگری گفت: بهتر است پشت آن میز بنشینیم که گل‌های قشنگی دارد. تمساح مثل موش ساکت شد و با خودش گفت: الان ترتیب همه شان را می‌دهم..... ناگهان کسی با صدای کلفت از توی جنگل فریاد زد: بچه‌ها نروید. جلو نروید!...» (همان: ۴۵-۴۸).

تمساح به شهر بازی حمله کرد؛ اما پرند خپل بچه‌ها را خبر و آنها را از خطر دور کرد. قبل از آن تمساح خود را به شکل الاکلنگ درآورد بوده که با زیرکی شیطونک نقشه‌اش شکست خورد. هرکدام از حیوانات جنگل به گونه‌ای نقشه‌ای تمساح را نقش بر آب می‌کردند. در داستان «روباه

گذشته که با ترکه و کمر بند به جان بچه‌ها می‌افتادم، باز هم به خدمتشان می‌رسیدم. اگر می‌شد پشت این دختره را کباب می‌کردم که تا یک ماه نتواند بنشیند.» (دال، ۱۳۹۲: ۱۲۱/الف).

نویسنده در توصیف شخصیت ترانچبول کمی اغراق کرده است؛ اما چنین افرادی در محیط آموزشی دیده می‌شوند. دال در این برجسته‌سازی و

اغراق طنزگونه به دنبال بیان آسیب‌های جبران ناپذیر خشونت در مدارس است. در خانواده‌ها نیز این خشونت دیده می‌شود. در داستان‌های «جورج و داروی شگفت‌انگیز، جیمز و هلوی غول‌پیکر، ماتیلدا» این خشونت دیده می‌شود. خشونت بزرگسالان نسبت به کودک. «در خصوص خشونت‌های نهاد مدرسه، اکثر قریب به اتفاق جامعه شناسان بر این مساله توافق دارند که با وجود اینکه تنبیهات بدنی یا اصلا دیگر به اجرا در نمی‌آیند و یا بسیار نادر هستند، اما اتفاقات دیگری در آن رخ می‌دهد که می‌توانند به همان اندازه بر دانش‌آموزان تأثیرات منفی بگذارند.

پیرمرل (Pierre Merle) اخیراً تأثیرات منفی رفتارهای تحقیر آمیزی را که بعضاً دانش‌آموزان در مدرسه با آن مواجه می‌شوند، بر روند تحصیلی‌شان نشان داده است.» (دیاردیو، ۱۳۹۳: ۲۳).

شگفت‌انگیز» نیز اتحاد و همدلی جانورانی چون، موش کور، گورکن و روباه برای رهایی از گرسنگی، جذاب و خواندنی است. دال به شکل پارادوکسیکال و متناقضی از یورش سه مزرعه‌دار برای کشته شدن روباه استفاده می‌کند و همین علت اولیه برای تعامل و دوستی روباه و خانواده و همدستی و اتحاد حیوانات زیر زمین برای مقابله با مزرعه‌داران است. اتحاد و همسبستگی حیوانات باعث نجات و سعادت آن‌ها شده است. (ر.ک راد، ۱۳۸۸: ۴۱)

در داستان «من و زرافه و پلی» نیز همدلی میان حیوانات به خوبی دیده می‌شود. «بیلی» به کمک میمون، زرافه و پلیکان، کارهای هیجان‌انگیزی انجام می‌دهند. جدیت و پشتکار بیلی برای کار در یک شیرینی‌فروشی، حوادث اصلی داستان را شکل می‌دهد. او علاقه زیادی به کار در شیرینی‌فروشی دارد. درون‌مایه مد نظر نویسنده در داستان، اتحاد و همدلی است. بیلی برای رسیدن به هدف خود، نیاز به این همدلی دارد. (ر.ک دال، ۱۳۹۲: ۶/ح)

اثرات منفی خشونت در روحیه کودک

یکی دیگر از درون‌مایه داستان‌های دال، خشونت بزرگترها نسبت به کودکان است. این خشونت در خانواده و مدرسه دیده می‌شود. «خانم ترانچبول» مدیر مدرسه «ماتیلدا» رفتار خشونت آمیزی نسبت به کودکان دارد. «خانم ترانچبول فریاد زد: رد خور نداره که کار او بوده! بگذار چیزی بهت بگویم. آرزویم این است که اجازه داشتم عین روزهای

خواسته‌های کودک را نشان دهد و هم به والدین راه و شیوه برخورد با کودک را آموزش دهد. اطلاعات جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که دال مهم‌ترین آسیب‌ها و مسایل کودکی را در داستان هایش بیان می‌کند. تاثیر منفی خشونت در کودک، بی‌توجهی به خواسته‌های او، اختلاف نظر با بزرگسالان درباره موضوعات گوناگون و کاهش ترس از موجودات و اشیا در کودکان، مهم‌ترین درون‌مایه‌ها را تشکیل می‌دهند. تعداد درون‌مایه‌های هر داستان (اغلب دو درون‌مایه) نشان می‌دهد که داستان‌های دال از ژرف و عمق زیادی برخوردارند و حتی بزرگسالان هم می‌تواند از تحلیل این درون‌مایه‌ها برای بهتر شدن زندگی کودک استفاده کنند.

عنوان داستان دال، اغلب کوتاه و تامل برانگیز هستند. عنوان‌هایی چون؛ «آقای روباه شگفت انگیز»، «آدم کوچولوها»، «تشپ کال»، «من و زرافه و پلی»، «جیمز و هلوی گول پیکر»، «جورج و داروی شگفت انگیز»، «غول بزرگ مهربان»، «ماتیلدا»، «انگشت جادویی»، «تمساح گول پیکر»، «موتور سیکلت من» و «بدجنس‌ها». عنوان‌ها به صورت غیرمستقیم خواننده را به درون‌مایه و اندیشه داستان راهنمایی می‌کند. برخی عنوان‌ها نیز به صورت برعکس نوشته شده است.

عنوان «تشپ کال» عکس کلمه «لاک پشت» است. اگرچه در نظر اول برای کودک دشوار به نظر می‌رسد؛ اما تامل برانگیز و کنجکاو کننده است.

شیوه ارائه درون‌مایه داستان‌های دال

نام داستان	درون‌مایه‌ها	رابطه عنوان با درون‌مایه	تعداد درون‌مایه
ماتیلدا	تقابل با بزرگترها، حقیر شمردن کودک	متوسط	زیاد
انگشت جادویی	حمایت از پرندگان، تقابل با بزرگترها درباره محیط	متوسط	زیاد
روباه شگفت انگیز	تلاش برای بقا، غلبه بر سختی‌ها	متوسط	نسبتا زیاد
جیمز و هلوی گول پیکر	تاثیر منفی خشونت و تنهایی در زندگی کودک	متوسط	زیاد
آدم کوچولوها	غلبه بر ترس - افزایش کنجکاوی کودک	ضعیف	زیاد
من و زرافه و پلی	ستایش تلاش و همدلی	متوسط	زیاد
داروی شگفت انگیز	تقابل با بزرگترها، انعکاس تفاوت‌ها	متوسط	زیاد
تمساح گول پیکر	افزایش همدلی، کاهش ترس در کودک	متوسط	زیاد
تشپ کال	عشق و علاقه	ضعیف	نسبتا زیاد

جدول شماره ۱ درون‌مایه داستان‌های دال

اغلب درون‌مایه داستان‌های دال، مربوط به کودک و مسایل زندگی اوست. کودکی که برای رسیدن به مرحله نوجوانی و بزرگسالی با مشکلات و موانعی روبروست. دال کودک را در همین سنین کودکی با مسایل آشنا می‌کند. او را در تقابل با بزرگسالان قرار می‌دهد تا هم قسمتی از نیازها و

چنانچه بخواهید درک درستی از دنیای کودک در ذهن داشته باشید، باید داستان و زانویتان را یک هفته به اندازه آنها خم کنید.» (پیتر هانت، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

او در آثارش (جیمز و هلوی غول پیکر- ماتیلدا- داروی شگفت انگیز جورج- انگشت- جادویی- آدم کوچولوها) کودک را در تقابل با بزرگسالان قرار می‌دهد. این تقابل به معنای اثبات موجودیت کودک است؛ به عنوان یک موجود صاحب تفکر. او کودک را به خوبی می‌شناسد و با ویژگی‌های روحی- روانی‌اش آشناست. اغلب شخصیت‌های کودک داستان‌های دال، کودکان بین سن ۸-۱۱ هستند. روان‌شناسان رشد، خصوصیات روانی و عاطفی این گروه سنی را این گونه بیان می‌کنند: «نیاز به توجه و استقلال دارند؛ اما کمتر مورد توجه بزرگترها قرار می‌گیرند و همین باعث ایجاد تضاد و اختلاف بین پدر و مادر کودک می‌شود. او می‌خواهد در انجام کارها و تصمیماتش مسئول و مستقل باشد.» (حافظی، ۱۳۸۰: ۱۰)

ماتیلدا یکی از شخصیت‌های داستان دال است که از استعداد و هوش بالایی برخوردار است؛ اما مورد بی توجهی پدر و مادرش قرار می‌گیرد. در نهایت با اثبات استعداد و توانایی‌اش در مقابل پدر و مادر و مدیر مدرسه ایستادگی می‌کند. در داستان انگشت جادویی، دختری هشت ساله برای حمایت از پرنده‌ها، مقابل بزرگترها می‌ایستد و حتی آنها را متوجه اشتباهشان می‌کند. آنچه برای دال مهم است، خود کودک است نه مسائل اخلاقی و اجتماعی پیرامونش. او با مسائل اخلاقی مخالفت و ضدیتی ندارد و قضاوت اخلاقی نمی‌کند. «درون‌مایه آثار کودک باید از هر گونه داوری و قضاوت دور باشد.

داستان‌های دال اغلب با پایانی باز همراهند. پایان بندی و وضعیت پایانی که شباهتی با وضعیت ابتدایی داستان ندارد. اغلب داستان‌ها با وضعیت متعادل شروع می‌شوند و پس از برهم زدن تعادل و کشمکش‌های فراوان، وضعیت ثانویه‌ای شکل می‌گیرد که شباهت زیادی به ابتدای داستان دارد و یا داستان‌ها پایانی باز دارند و همچنان کودک را به تامل و تفکر وامی‌دارد. برای مثال در داستان «روبا شگفت انگیز» نویسنده این‌گونه پایان اثر را بیان می‌کند. «بانس گفت: آن حیوان حتماً تا حالا از گشنگی و تشنگی مرده. بین گفت: درسته. هر لحظه ممکن است از لونه بیاید بیرون. تفنگتان را دم دست بگذارید. بعد کنار سوراخ نشستند و منتظر شدند تا روباه بیرون بیاید و تا جایی که می‌دانم هنوز منتظرند.» (دال، ۱۳۹۲: ۱۲۴/ث). نویسنده هیچ اشاره‌ای به درون‌مایه داستان نمی‌کند.

اهمیت درون‌مایه‌ها در زندگی کودک

اکثر نویسندگان نمی‌دانند چطور باید برای کودک مطلبی را نوشت یا بازگو کرد و یا اصلاً دغدغه کودک را ندارند. «بعضی‌ها ادبیات کودک را جایگاه مناسبی برای انتقال حس‌آرمان خواهی به کودک می‌دانند و چه بسا دغدغه‌های بزرگسالانه خود را به دلیل محدودیت‌های سیاسی- اجتماعی، به زبان کودک بیان می‌کنند (رک هجری، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

دال در مصاحبه‌ای می‌گوید: «من همدلی و نزدیکی زیادی با بچه‌ها دارم. مشکلاتشان را درک می‌کنم.

کودکان انسانهایی صاحب اندیشه و مستقل‌اند و در مقابل بزرگترها و اشتباهات آنها ایستادگی می‌کنند. در داستان فانتزی «انگشت جادویی» خانواده آقای گرگ هر روز به شکار اردک می‌روند. دختر هشت ساله که شخصیت اصلی داستان است، آن‌ها را از شکار کردن منع می‌کند؛ اما آقای گرگ توجهی نمی‌کند و به کارش ادامه می‌دهد. شخصیت کودک در یک کنش فانتزیک، آن‌ها را به اردک تبدیل می‌کند و اردک‌ها به سوی آنها شلیک می‌کنند. «یک روز صبح فلیپ و ویلیام را دیدم که با پدرشان از بیشه زار بر می‌گشتند و گوزن زیبا و جوانی را با خود می‌آوردند. با دیدن این صحنه از کوره در رفتم و سرشان فریاد کشیدم. پسرها خندیدند و برایم شکلک درآوردند و آقای گرگ به من گفت که به خانه بروم و مواظب رفتارم باشم...» (دال، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲/پ).

کودک در این داستان مقابل بزرگترها می‌ایستد و این اجازه را دارد که عمل ناپسند آنها را گوشزد کند. داستان با هیجان و شادی که دارد کودکان را به خود جذب می‌کند. کودک مخاطب به راحتی با شخصیت داستان (دختر هشت ساله) همزاد پنداری می‌کند. خود را به جای شخصیت می‌گذارد و تصمیم‌گیری می‌کند. همانندسازی به کودکان کمک می‌کند مشکلاتشان را بشناسند. «در واقع همانندسازی چالشی ذهنی برای خودآزمایی و مساله‌گشایی بدون دخالت بزرگسالان است.» (پریرخ و امجدی، ۱۳۸۶: ۵۱). آنچه مهم و قابل ذکر است، توجه دال به کودک و نگاه کودکانه است که به داستان‌ها دارد. برای نمونه در داستان جذاب «ماتیلدا»، توانایی کودک در غلبه با مشکلات و خودشناسی او را نشان می‌دهد. در

اگر داستان وسیله‌ای برای تسلط در آوردن کودک و القای تفکر و اندیشه خود بدانیم، دچار اشتباه بزرگی شده‌ایم» (قزل ایاغ، ۱۳۸۶: ۶۳). شخصیت‌های داستان‌های دال، اغلب به خود متکی‌اند و به فکر حل مشکلاتشان هستند و متناسب با ویژگی روانشناختی خود، (احساس استقلال، بیان خواسته‌های درونی و...) عمل می‌کنند. «شخصیت‌های داستان دال با کنش‌های فانتزی، ضمن هویت‌یابی و خودشناسی به یک نجات‌دهنده تبدیل می‌شود» (حافظی، ۱۳۸۰: ۸).

در داستان "آدم کوچولوها" «بیلی» کودک داستان از ترس مادرش اجازه‌ی خارج شدن از خانه و رفتن به جنگل را ندارد، اما برای ارضای میل کنجکاوی خود از دستور مادرش سر باز می‌زند و وارد جنگل می‌شود. «...گاهی مادرش او را صدا می‌زد و می‌گفت: بیلی کوچولو، داری چه کار می‌کنی؟ و بیلی همیشه در جواب می‌گفت: هیچی مامان، پسر خوبی‌ام. اما بیلی کوچولو از خوب بودن خسته شده بود و... سرانجام او موفق شده بود. به جنگل رسیده بود و حالا تمام جنگل در اختیارش بود...» (دال، ۱۳۹۲: ۹/خ). عبارت‌های مشخص شده، نشان‌دهنده اقتدار بزرگسالان در مقابل کودک است و این که او باید مثل همیشه پسر خوبی باشد، غافل از این که «کودکان هرگز خود را به حد و مرزهایی از پیش تعیین شده محدود نمی‌کنند و برای رسیدن به موجودیت و استقلال و ارضا کنجکاوی از کسی اجازه نمی‌گیرند.» (کیانوش، ۱۳۵۶: ۴).

دال در داستان‌هایش نظیر «انگشت جادویی»، «روبه‌شگفت انگیز»، «جیمز و هلوی گول پیکر» و... دنیا و نگاه کودکان را به نمایش می‌گذارد. جایی که

این داستان، ماتیلدا باهوش و فوق‌العاده است؛ اما از سوی خانواده تحقیر و مورد سرزنش قرار می‌گیرد. «یک روز ماتیلدا از پدرش پرسید: خاک آره به چه دردتان می‌خورد؟ پدرش گفت: لازم نیست تو بدانی. - آخر بابا سر در نمی‌آورم که خاک آره چه جوری توی فروش ماشین به دردتان می‌خورد؟ پدرش گفت: برای اینکه تو یک احمق کوچولوی خنگی...» (دال، ۱۳۹۲: ۳۰/الف). ماتیلدا توانایی آن را دارد که ارتباط جهانی برقرار کند و بر مشکلاتش غلبه کند و هویت خود را (استعداد و هوش بالا) ثابت کند. کودک در داستان‌های دال اجازه‌ی اعتراض و اثبات حقوق و فردیت خود را پیدا می‌کند. در داستان ماتیلدا واکنش‌های او نشان دهنده‌ی این مطلب است. «در اولین هفته‌ی ملاقات ماتیلدا و خانم فلیس، او از ماتیلدا پرسید: آیا هر روز مادرت تو را به کتابخانه می‌آورد؟ ماتیلدا جواب داد: مادرم هر روز بعد از ظهر برای بازی بینگو به آیلزبری می‌رود. او نمی‌داند من اینجا می‌آیم. خانم فلیس گفت: ولی این کار درست نیست. فکر می‌کنم بهتر است از او اجازه بگیری. ماتیلدا گفت: ترجیح می‌دهم این کار را نکنم... پدر و مادرم از من متنفرند... اما من به آنها ثابت می‌کنم. خانم فلیس نگران ماتیلدا بود که هر روز تنها مسیرخانه تا کتابخانه را می‌آمد.» (همان).

جهان داستان‌های دال، زیر ساختی روانکاوانه نسبت به دنیای کودک دارد؛ نوعی واشکافی خواسته‌ها و امیال سرکوفته کودک که با فانتزی و طنز آمیخته است. در داستان «تمساح

غول پیکر» این زیرساخت روانکاوانه دیده می‌شود. تمساح از ترساندن حیوانات دیگر و ترسناک جلوه دادن خود، هیچ چیز کم نمی‌گذارد. اما این رفتار، ظاهری و فاقد عمق کافی برای ایجاد ترس در بین بچه‌هاست. «تمساح غول پیکر تصمیم دارد برای ناهارش به شهر برود و یک بچه چرب و چیلی بخورد. تمساح کوچک. او را از این کار منصرف می‌کند؛ اما تمساح به حرف او توجهی نمی‌کند. تمساح غول پیکر خندید و با این کار صدها دندان سفید و تیزش را نشان داد و گفت: بچه چرب و چیلی و آبدار...» (دال، ۱۳۹۰: ۶/چ).

رفتار تمساح فاقد عمق کافی برای ترساندن بچه‌هاست. روان‌شناسان می‌گویند: «وقتی عاملی شمار را بترساند که از نظر روانی فاقد عمق باشد، تکرار آن در دفعات بعد، نه تنها دیگر آن هیبت ترسناک خود را ندارد؛ بلکه مضحک و خنده دار به نظر می‌رسد.» (به نقل از بامداد، ۱۳۸۲: ۵۹). دال، دنیا و مسائل پیرامون را از دریچه و ذهن کودک بررسی می‌کند. هیجان، ترس، شادی، اندوه، تنهایی، تقابل فکری کودکان را به نمایش می‌گذارد. همزادپنداری مخاطب کودک با شخصیت‌های داستانی به خوبی صورت گرفته است. این مساله باعث شده است که داستان دال در میان مخاطبان کودک ایران، جایگاه نسبتاً مناسبی پیدا کند. (میزان تیراژ و چاپ آثار) رولد دال به دنبال انجام یک کار تلفیقی، حرفه‌ای و سرگرم کننده متناسب با نیازهای دوران کودکی است. آثار او پیامدها و دستاوردهای چشم‌گیری

برنده جایزه جهانی هانس کریستین آندرسن در بخش تصویرگری شد. شاید یکی از دلایل موفقیت تصویرهای داستان‌های دال، انتخاب یک تصویرگر بوده است.



تصویر شماره

تقدم تصویر بر متن داستان

حجم متن داستان‌های دال نسبت به تصاویر آن بیشتر است. داستان‌های او برای گروه سنی «ج»

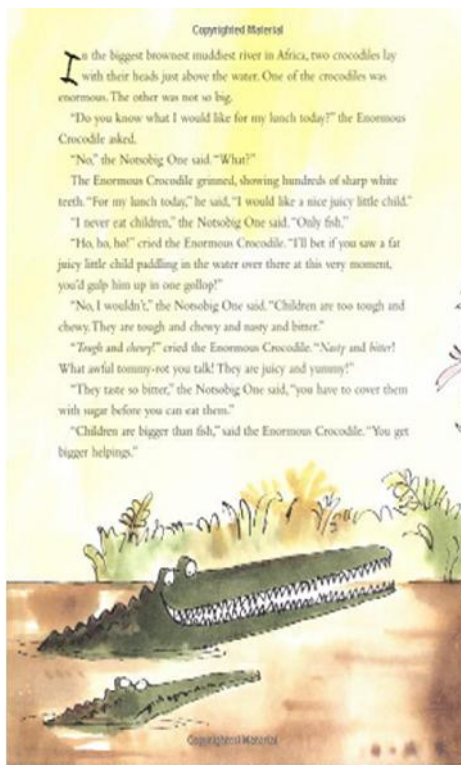
در زمینه روابط بین کودکان و بزرگسالان به همراه دارد.

اهمیت تصویر در ارائه درون‌مایه‌ها

رولد دال تصویر را جزء متن می‌داند و در داستان به تصاویر و موقعیت‌های پیش آمده اشاره می‌کند. تصویر به عنوان یک عنصر الزامی است که بخشی از روایت را برعهده آن می‌گذارد. کوانتین بلیک (Quentin Blake) در تصویرهایی که برای آثار رولد دال (Roald Dahl) خلق کرده است، با بزرگ نمایی در اندازه شخصیت‌ها و در کنار هم قرار دادن متضادها و پافشاری بر حالات چهره‌ها می‌تواند به خوبی لحظه‌هایی از داستان را برجسته کند و در بیننده هیجان بیشتری بیافریند. در داستان ماتیلدا، بلیک برای نشان دادن شخصیت خشن و ترسناک مدیر مدرسه، او را در کنار اندام کوچک دانش‌آموزان قرار می‌دهد و با بزرگ نمایی در اندازه آنها و همچنین نشان دادن خشم در چهره مدیر مدرسه و ترس در چهره دانش‌آموزان، نور افکن خود را روی لحظه‌هایی از داستان می‌گیرد و آنها را برجسته می‌کند. (رک قایینی، ۱۳۹۰: ۳۱۵-۳۱۶).

در تصویر شماره ۱ می‌توان چنین ویژگی را دید. در تصویر شماره ۱ شخصیت مدیر مدرسه به خوبی به مخاطب نشان داده شده است. ویژگی‌هایی که درباره این شخصیت در متن داستان بیان شده به کمک تصویر کامل‌تر و عینی‌تر دیده می‌شود. تقابل این دو شخصیت را در بزرگ نمایی و کوچک نمایی هر یک به تصویر کشیده است. اکثر داستان‌های دال به وسیله کوانتین بلیک تصویرگری شدند. او در سال ۲۰۰۲

داستان مذکور، سیاه و سفیدند. برای نمونه تصویری از متن اصلی داستان ارائه می‌شود.



تصویر شماره ۳

در تصویر شماره ۳ که از متن اصلی انتخاب شده از رنگ‌های سرد (سبز، آبی) و رنگ‌های خشتی (خاکستری) استفاده شده است. تصاویر از نظر رنگ و طراحی با متن ترجمه شده تفاوتی ندارند. حوادث داستان درباره شکار و حيله گری تمساح است. او با نقشه‌ها و حيله‌های خود به دنبال شکار بچه‌ها است. تصویرگر برای به تصویر کشیدن فضای شاد و پرهیاهوی پارک و شهر بازی از رنگ‌های مختلف استفاده کرده است. در تصویر ۴ تصویرگر فضا و حال و هوای داستان را به مخاطب انتقال می‌دهد.

نوشته شده است. بنابراین برای این گروه سنی مطالب و نوشته‌ها بیشتر از تصویر است. چون کودک توانایی تصویرسازی ذهنی را دارد؛ پس حجم تصاویر کمتر است. (ر.ک ابراهیمی، ۱۳۶۰: ۸۳). نکته دیگر اینکه اغلب تصاویر بر متن تقدم دارند. ابتدا تصویر و سپس نوشته آمده است. این تقدم باعث می‌شود کودک به تفکر و استدلال بپردازد و قوه خیال خود را تقویت کند. در داستان «بدجنس‌ها» می‌توان این ویژگی را مشاهده کرد.

تصویر شماره ۲ که از داستان «بدجنس‌ها» انتخاب شده، بر متن و نوشته داستان تقدم دارد. تصویر در صفحه ۶۶ و متن در صفحه ۶۷ قرار دارد. «چهارتا پسر بچه فلک زده روی درخت نشسته بودند... آقای بدجنس حسابی عصبانی شده بود و فریاد زد: حالا که از پرنده‌ها خبری نیست، به جایش کوکوی بچه می‌خورم... بچه‌ها حسابی ترسیده بودند. یکی از آن‌ها فریاد زد: می‌خواهد ما را بجوشاند... دومی گفت: می‌خواهد زنده زنده آب پزمان کند...» (دال، ۱۳۹۲: ۶۷ د).

ترس و نگرانی چهار پسر بچه با انتخاب زاویه مناسب از سوی تصویرگر به خوبی به خواننده نشان داده شده است. کودک مخاطب قبل از اینکه متن را بخواند به کمک تصویر می‌تواند حال و هوای داستان را درک کند.

نقش رنگ تصویر در ارائه درون‌مایه

اکثر داستان‌های دال، تصاویر سیاه و سفید دارند. تنها داستانی که به صورت کیفیت رنگی است، داستان «تمساح غول پیکر» است. در متن اصلی (زبان اصلی) نیز همه تصاویر به جز تصاویر

برسد. تقابل کودک با خانواده و مدرسه، همدلی و صمیمیت، حمایت از پرندگان، رهایی از مرگ، عشق، وفاداری به خانواده، غلبه بر ترس، خشونت، تنهایی و بی توجهی به کودک از مهم ترین درون‌مایه داستان‌های دال است. دال با شناخت خوبی که از مخاطب خود دارد، تلاش می‌کند دغدغه و نیازهای او را به والدین و مربیان مدرسه گوشزد کند. در اکثر آثار دال، غیبت پدر و مادر (جیمز و هلوی غول پیکر؛ جورج داروی شگفت انگیز، ماتیدا و...) و نبود هسته گرم خانواده قابل مشاهده است. شیوه ارائه درون‌مایه اغلب غیرمستقیم است. او درون‌مایه را در میان کنش و رفتار شخصیت‌ها به خواننده ارائه می‌دهد. عنوان داستان‌های او کوتاه و تامل برنگیز است. حادثه و هیجان را در خود دارند. قهرمان اکثر داستان‌هایش کودک است. این مساله میزان همذات‌پنداری مخاطب با شخصیت داستان را افزایش می‌دهد. پایان داستان‌ها نیز پایانی باز است. درون‌مایه و موضوع داستان‌ها با ظرفیت ذهنی و زبانی کودک متناسب است. او مخاطب کودک را به خوبی می‌شناسد. شخصیت‌های داستان‌های دال، اغلب به خود متکی‌اند و به فکر حل مشکلاتشان هستند و متناسب با ویژگی روان‌شناختی خود، (احساس استقلال، بیان خواسته‌های درونی و...) عمل می‌کنند. اکثر داستان‌های دال به وسیله کونتین بلیک تصویر‌گری شدند. او در سال ۲۰۰۲ برنده جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن در بخش تصویر‌گری شد. شاید یکی از دلایل موفقیت تصویر‌های داستان‌های دال، انتخاب یک تصویر‌گر بوده است. اکثر داستان‌های او، تصاویر



تصویر شماره

در تصویر شماره ۴ انواع مختلف رنگ دیده می‌شود. رنگ‌های سرد و گرم. شادی که هیجان و ترس ناشی از حضور تمساح در شهربازی را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه در تصویر فوق، تداخل عنصرهای تصویر و عدم استفاده از فضای سپید است. شخصیت اصلی داستان (تمساح) به صورت برجسته و در گوشه سمت چپ تصویر با وضوح کامل دیده می‌شود. این مساله باعث می‌شود که تداخل تصویری لطمه‌ای به تصویر وارد نکند. رنگ‌های تصویر، موضوع و درون‌مایه داستان را به خوبی القا می‌کنند. تصاویر داستان‌های رولد دال دارای طراحی بافت و ساختاری یکسان است؛ چون یک تصویر‌گر کار تصویر پردازی داستان‌ها را انجام داده است.

نتیجه‌گیری

رولد دال یکی از نویسندگان برجسته و محبوب کودکان در انگلیس است. موضوع و درون‌مایه داستان‌های او اغلب پیرامون کودک و نیازها و زندگی اوست. او به خوبی نیازها و روحیات مخاطب خود را می‌شناسد و سعی می‌کند فضایی خلق کند تا خواننده علاوه بر لذت به خود باوری

- سیاه و سفید دارند. حجم نوشته داستان‌های دال نسبت به تصاویر آن بیشتر است. عدم استفاده از رنگ در تصاویر چندان آسیبی به انتقال درون‌مایه و حال و هوای داستان وارد نکرده است. «بلیک» با استفاده از خطوط نرم و برجسته سازی شخصیت‌ها و قرار دادن آن‌ها در مرکز تصویر، امکان ایجاد همزاد پنداری مخاطب کودک با شخصیت داستان را افزایش داده است.
- منابع**
- آیلین، دانلدسون، (۱۳۹۲)، «دل سحرآمیز: نگاهی به فانتزی رولد دال»، ترجمه امین نصیری، مجله کتاب ماه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۱۹۰، صص ۶۵-۷۰.
- ابراهیمی، نادر، (۱۳۶۰)، *مصورسازی کتاب کودکان*، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ اول.
- بامداد، رایکا، (۱۳۸۲)، «تمساحی که بچه‌ها را به عمق می‌برد»، کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۷۷، صص ۵۸-۶۰.
- پریخ، مهری، زهرا، امجدی، (۱۳۸۶)، «داستان‌انباری برای کمک به کودک ونوجوان درحل و مقابله با مشکلات»، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۴۷، صص ۱-۲۰.
- پیتر، هانت، (۱۳۸۳)، *رولد دال*، مترجم شهرام اقبال زاده، مجله کتاب ماه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۷۹، صص ۱۱۱-۱۱۳
- حافظی، علی‌رضا، (۱۳۸۰)، «بحشی در روانشناسی مخاطب کودک و نوجوان»، پژوهش نامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۶.
- حجازی، بنفشه، (۱۳۸۷)، *ادبیات کودک و نوجوان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ دهم.
- دال، رولد، (۱۳۹۲)، *آدم کوچولوها*، (خ) ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران، نشر افق، چاپ هفتم.
- -----، (۱۳۹۲)، *روباہ شگفت انگیز*، (ث) ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران، نشر افق، چاپ نهم.
- -----، (۱۳۹۲)، *جیمز و هلوی غول پیکر*، (ج) ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران، نشر افق، چاپ ششم.
- -----، (۱۳۹۲)، *ماتیلدا*، (الف) ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران، نشر افق، چاپ هشتم.
- -----، (۱۳۹۲)، *داروی شگفت انگیز جورج*، (ب) ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران، نشر افق، چاپ نهم.
- -----، (۱۳۹۲)، *بدجنس‌ها*، (د) ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران، نشر افق، چاپ هفتم.
- -----، (۱۳۹۲)، *تمساح غول پیکر*، (چ) ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران، نشر افق، چاپ نهم.

- ----- (۱۳۹۲)، من و زرافه و پلی، (ح) نشر فرهنگی تاریخی ادبیات کودکان چ اول.
- ترجمه محبوبه نجف خانی، نشر افق، چاپ نهم.
- ----- (۱۳۹۲)، انگشت جادویی، (پ) نوجوانان و ترویج خواندن، تهران: نشر سمت، چاپ پنجم.
- ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران، نشر افق، چاپ هفتم.
- ----- (۱۳۹۲)، غول بزرگ مهربان، (ت) پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۸.
- ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران، نشر افق، چاپ دهم.
- دیاردیو، اریک، (۱۳۹۳)، آسیب شناسی پدیده‌ی خشونت در محیط مدرسه، مترجم آریا نوری، انسان شناسی و فرهنگ.
- کرمانی، علیرضا، (۱۳۷۷) «با جادوگرها مهربان باشیم»، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۵.
- راد، فریدون، (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی رمان روباه شگفت انگیز»، مجله کتاب ماه کودک و نوجوان. ش ۱۴۷، صص ۳۸-۴۴.
- کیانوش، محمود، (۱۳۵۶)، با فرزندان خود باشیم، تهران، بنگاه اشراقی.
- قایینی، زهره، (۱۳۹۰)، تصویرگری کتاب- های کودکان، تاریخ، تعریف‌ها و گونه‌ها.
- هجری، محسن، (۱۳۸۲)، «کودک، ادبیات و آرمان گرایی»، کتاب ماه کودک و نوجوان. بهمن ماه، شماره ۷۶.